

بازیگری

روح...: بازیگری برام بعد از این استقبالی که نسبت به فیلم شد خیلی جدی تر شده. ولی خب قبول کنید که بازیگر نوجوون زیاد نیاز نداریم و تعداد نوجوون های حرفه ای توی بازیگری هم کمه. باید دید در آینده اوضاع بهتر میشه یا نه.

نصیر: به نظرم شروع خوبی داشتم. گرفتن پروانه زرین توی جشنواره فیلم کودک اتفاق خیلی بزرگی توی زندگی من بود. ولی خب قبل از این ماجرا من علاقه ام بیشتر به نویسندگی بود. اما الان به جورهایی به استعدادم توی بازیگری هم پی بردم. البته این رو بگم که جلوی دوربین رفتن خیلی سخته. این که بتونی حس مورد نظر هر صحنه ای از فیلم رو درست در بیاری. مخصوصا وقتی قرار بود جلوی پلنگ باشیم، ولی پلنگی در کار نبود و من باید ترس رو جوری بازی می کردم که مخاطب باور کنه.

محمد مهدی: این تجربه خیلی خوب بود. گرچه در نوجوونی امیدوی ندارم که بتونم ادامه بدم. آخه ما نوجوون ها، سینمای خودمون رو نداریم. اساسا یای برای کودک فیلم می سازن یا بزرگسال.

می کنم. این هم که خیلی دوست ندارم فقط سرم به درس باشه و جنب و جوش و فعالیت های دیگه هم داشته باشم خیلی برام جذاب بود. اما تغییر منفی نداشتم. گرچه دوستانم خیلی با من شوخی می کنند. مثلا به آشغال ناخود آگاه از دستم بیفته می گن یعنی چی بازیگر که نباید آشغال بندازه!! ولی خب در حد شوخیه.

سه تفنگدار

روح...: نمی تونم بگم با کدومشون رفیق ترم. هر دو خوبن و امیدوارم رفاقتمون ادامه دار باشه. هر دوشون خیلی پایه رفاقتن ولی علیرضا انصافا خیلی شیطونه.

نصیر: من بامتین رفیق ترم (این یعنی اوج زرنگی علیرضا. خب اسم هر دو بازیگر دیگه این فیلم متینه. و ما هرچه اصرار کردیم نگفت کدوم از دو متین). اما فکر می کنم بتونیم رفاقتمون رو سال ها با هم ادامه بدیم. اما اگر بخوام هر کدوم از بچه ها رو به یک صفت معرفی کنم

درباره متین پاکزاد باید بگم که درونگراست. و متین کرمانی هم منصف و صادق.

محمد مهدی: علیرضا اصولا همیشه دنبال کشفه. یعنی اوایل، حتی ضبط که شروع می شد می دیدیم حواسش به یه مارمولکه روی زمین. متین هم آدم آرومیه و البته عاشق چائیه. هر دوشون دوستای خیلی خوبی برای من بودن.

عوامل فیلم

روح...: کارگردان و تهیه کننده که حقیقتا دوست داشتنی و مهربون بودن.

بقیه عوامل هم خیلی با ما خوب بودن.

نصیر: اکثر عوامل مثل آقای حجازی فر با ما همراهی

می کردن، گرچه کسانی هم بودند که رعایت سن و سال ما رو نمی کردن و توقع داشتن ما هم بتونیم مثل اون ها خیلی خوب و زود اجرا کنیم. با اینکه گاهی خودشون هم اشتباه می کردن. اما بیشترین تعامل رو ما با آقای تقی پور داشتیم. یه رفیق مهربون بودن.

محمد مهدی: آقای حجازی فر که بی نظیر بودن. یک سکانس توی فیلم هست که ماشین توی شیب حرکت می کنه و کلا خیلی سخت بود؛ اون رو چندین بار گرفتیم. شاید ۲۰ بار. اما ایشون خیلی همدلی می کردن. آقای تقی پور که واقعا بی نظیر بودن. انقدر باهاشون احساس صمیمیت و نزدیکی داشتیم که باعث شد روز آخر براشون جشن پتو بگیریم.



گپ و گفت

ضمیمه نوجوان

شماره ۱ ■ ۳ بهمن ۱۳۹۸

نوجوانان



روح...:

کلا اظرافیان توقعشون بالاتر رفته و گرته من سعی کردم خودمو به اصطلاح نگیرم یا مغرور نشم. کلا محبوبیت مهم تر از شهرته. پس باید رفتار ت خوب باشه تا همیشه محبوب باشی

۷



نقد سریال

پرواز آزاد!

یک زاویه دید متفاوت به فیلم



عرفان قاسمی

منطقه پرواز ممنوع شاید برای من که مدال آور المپιάد سواد رسانه ای هستم؛ بیش از هر چیز نماد استفاده

مناسب از مهمترین ابزار رسانه ای این روزها بود؛ یعنی تلفن همراه. مخصوصا در سکانس هایی که نوجوان های نقش اصلی فیلم، برای جمع آوری اطلاعات از تلفن همراهشان استفاده می کنند. همین زاویه دید باعث شد یادم بیفتد که برای ما نوجوان ها چقدر آشنایی با رسانه های نوین و البته سواد استفاده بهینه از آنها مهم است.

متأسفانه در برخورد با ابزارهای نوینی مثل تلفن های هوشمند و رسانه های جمعی، اعتماد نسل جوان و نوجوان، ساده تر جلب می شود و بعد آنها با اعتماد کامل از آن وسیله برای شناخت جهان پیرامون شان استفاده می کنند. اما نسل های قدیمی تر معمولاً تا مدت ها به فناوری های نوین به چشم تهدید نگاه می کنند. این در حالی است که اگر شناخت صحیحی از رسانه ها برای مانوجوانان حاصل شود می تواند یک فرصت طلایی برای مان باشد که با توجه به تسلط بیشترمان بر فناوری، از آن برای پیشبرد اهداف خود استفاده کنیم. دقیقاً مثل موردی که در فیلم منطقه پرواز ممنوع مثال زدم. فکر می کنم آن ها درست فهمیده اند که این تلفن همراه دقیقاً مثل یک سلاح در دست های ماست.

به علت مفقود شدن کارت هوشمند راننده باری به شماره 3445343 متعلق به آقای زاهد الطافی و کارت هوشمند ناوگان باری به شماره 2238585 مربوط به کامیون به شماره پلاک ۹۹۸ ع ۷۵-ایران ۷۹ از درج اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سایپا 131 LE، مدل ۱۳۹۲، رنگ نوک مدادی متالیک، به شماره انتظامی ۱۴۳ ص ۲۲- ایران ۵۳، شماره موتور 4987140، شماره شاسی NAS411100D1306459 به نام لیلا کیانی فلاور جانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

شناسنامه خودرو پژو ۲۰۶، مدل ۸۵، رنگ خاکستری، به شماره انتظامی ۶۸۲ ب ۷۸-ایران ۴۶، شماره موتور 13085019502 و شماره شاسی 10831814 به نام بهار فرزانه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی و سند برگ سبز خودرو پراید، مدل ۸۴، رنگ سفید، به شماره انتظامی ۴۴۲ ج ۷۱-ایران ۷۶، شماره موتور 01294381 و شماره شاسی S1412284651162 به نام علیرضا مرادپور گزارش مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

مدال افتخار

عزیز خدمت کنیم. دوستم را که یادتان هست. حالا او رهبر قلب و جان همه ایرانی ها و حتی خیلی از مسلمانان جهان شده. خیلی شیرین بود وقتی از زبان ایشان شنیدم که فلانی «شهید زنده» است. و از آن شیرین تر وقتی بود که مدال افتخار خدمت را از دست آقای گرفتیم. حالا می فهمم چقدر انتخاب دوست مهم است. قبول داری؟

بعد از انقلاب «سپاه» را بهترین جابرای خدمت دیدم. مدتی فرمانده پادگان قدس سپاه در کرمان بودم. شهریور ۵۹ که جنگ ایران و عراق شروع شد، آموزش گردان هایی که از کرمان اعزام می شدند با من بود. در طول هشت سال دفاع مقدس توفیق داشتم به عنوان یک سرباز (ایشان فرمانده لشکر ۴۱ ثار... کرمان بود) به کشور و اسلام